

۱۲ - کلیسا چیست؟

شاید شنیده باشید که مردم ساختمانهایی را که مسیحیان در آن عبادت می‌نمایند کلیسا می‌خوانند. هر چند مردم غالباً ساختمان را کلیسا می‌دانند لکن معنی واقعی کلمه «کلیسا» ساختمان نیست بلکه اجتماع ایماندارانی است که در آن ساختمان عبادت می‌نمایند. «کلیسا» دلالت می‌کند به اجتماع ایمانداران مسیح در محلی بخصوص و همچنین این کلمه برای جمیع ایمانداران - هم کسانی که هنوز در این جهان هستند و هم اشخاصی که با مسیح در آسمان می‌باشند - استعمال می‌شود.

در زمانهای گذشته خدا فرزندان اسرائیل را انتخاب نمود تا قوم برگزیده او باشند. او احکام خود را بوسیله موسی به آنان بخشید و سرزمین فلسطین را به آنان داد و برای ایشان انبیائی فرستاد تا ایشان را تعلیم دهند و راجع به آمدن مسیح موعود با ایشان سخن گویند. هنگامی که عیسی، مسیح موعود، در زمان معین در میان اسرائیل ظاهر شد، برخی از مردم به او ایمان آوردند، لکن اغلب آنان از ایمان آوردن امتناع ورزیدند. سپس خدا از آنانیکه به مسیح ایمان آوردند، قوم جدیدی برای خود تشکیل داد که کلیسای مسیح خوانده می‌شود. در ابتداء فقط اسرائیلیان قوم برگزیده خدا محسوب می‌شدند، لکن اکنون تمام مردان و زنانی که از نژادها و ملل مختلف روی زمین به مسیح ایمان می‌آورند، قوم جدید خدا بشمار می‌روند. راه دخول در اجتماع اسرائیل اجرای مراسم ختنه بود، که خدا برای ابراهیم و تمام نسل ذکور او مقرر فرمود. لکن راه دخول به کلیسای مسیح، که قوم جدید خدا می‌باشد، عبارتست از تعمید و بهمین دلیل ختنه دیگر اهمیت مذهبی ندارد. تعمید طبق فرمایش مسیح در مورد کسانی اجرا می‌شود که توبه کرده و به مسیح ایمان آورده‌اند و نشانه عضویت در خانواده روحانی خدا می‌باشد. تعمید بخودی خود کسی را نجات نمی‌دهد زیرا گناهکاران فقط بوسیله ایمان به مسیح نجات می‌یابند. تعمید، علامت و سمبل پاکی از گناه و شروع يك زندگی جدید در مسیح می‌باشد. در بعضی از کلیساها مرسوم است که آب بر سر کسانی که تعمید می‌گیرند می‌پاشند و یا می‌ریزند و در کلیساهای دیگر اشخاص را کاملاً در آب فرو می‌برند. تعمید برای هر شخصی فقط یکبار انجام می‌شود.

در عهد جدید کلیسا «بدن مسیح» نامیده می‌شود. مسیح سر کلیسا است و تمام اعضای بدن از هر نژاد و زبان و رنگ در او يك می‌باشند از اینرو، کلیسا یکی است بطوریکه مسیح یکی است. کلیسا همچنین مقدس است زیرا به خدای مقدس تعلق دارد. معهداً هنگامی که امروز به وضع کلیسا در جهان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که غالباً دچار تفرقه می‌باشد و گاهی اوقات در آن شرارت وجود دارد. چرا چنین است؟ اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که در کلیسا عده زیادی وجود دارند که بوسیله روح القدس تولد تازه نیافته‌اند و بهمین دلیل واقعاً مسیحی

نیستند. کتاب مقدس می‌گوید که هرکس روح مسیح را ندارد از آن او نمی‌باشد (رومیان ۸: ۹). بعلاوه باید در نظر داشته باشیم که تمام اعضای کلیسا شبیه اشخاص بیماری می‌باشند که برای شفا یافتن به بیمارستان آمده‌اند. آنها خود را به دستهای طبیب بزرگ یعنی عیسی مسیح سپرده‌اند و او آنها را تدریجاً بهبودی می‌بخشد و از مرض گناه شفا می‌دهد. همچنین تا موقعی که مسیحیان در این جهان بسر می‌برند، از نتایج گناه کاملاً آزاد نیستند و بهمین دلیل همه احتیاج داریم که گناهان خود را اعتراف و از آنها توبه نمائیم، تمامی بنی‌نوع بشر گناهکارند، ولی تفاوتی که بین مسیحیان و سایرین وجود دارد این است که مسیحیان واقعی خود را به پزشکی که خدا فرستاده است تسلیم می‌نمایند و داروهای او را مورد استفاده قرار می‌دهند و دستورهای او را اطاعت می‌کنند، در صورتیکه سایرین چنین نمی‌کنند.

در حالیکه تمام ایمانداران حقیقی در مسیح یک هستند، شاید بدانید که در جهان فرقه‌های مختلف مسیحی وجود دارد، دو فرقه‌ای که از همه بزرگتر هستند عبارتند از: کاتولیک و پرتستان و این دو فرقه بزرگ دارای شعبات متعددی می‌باشند ولی کتاب مقدس تمام این مسیحیان یکی است. همه آنان ایمان دارند که عیسی مسیح پسر خدا است و معتقدند که او بر روی صلیب جان داد و دوباره زنده شد و یگانه نجات‌دهنده و خداوند می‌باشد. گرچه مسیحیان در مورد بعضی مسائل و حتی موضوعات اساسی اختلاف عقیده دارند، ولی اکثراً به اتحاد و اتفاق علاقمند می‌باشند و مایلند طبق آرزوی مسیح در ایمان و محبت یک باشند.

هدف کلیسا چیست؟ یکی از هدفهای کلیسا این است که ایمانداران را قادر سازد که در معرفت خدا و در ایمان و محبت رشد نمایند و همچنین با سایر ایمانداران دارای دوستی و معاشرت باشند. ضروری است که هر ایماندار دستور مسیح را در مورد تعمیم و عضویت در کلیسای وی اطاعت نماید. هر مسیحی به سایر مسیحیان نیازمند است همانطوریکه هر عضو بدن انسان به سایر اعضای بدن احتیاج دارد. هیچ ایمانداری هرگز نباید خود را از رفاقت و همبستگی سایر ایمانداران در کلیسا مجزا سازد.

بعلاوه مسیح، کلیسا را موظف ساخته است که کار او را در این جهان به انجام رساند و هنگامی که عیسی مسیح چون انسانی در این جهان بسر می‌برد، کلام خدا را برای مردم بیان می‌کرد، بیماران را شفا می‌داد، غمزدگان را تسلی می‌بخشید و گناهکاران را رستگار می‌نمود. مسیح قبل از اینکه به آسمان صعود نماید، به پیروان خود دستور فرمود که مژده نجات را به تمام مردم جهان برسانند. مهمترین کار و وظیفه تمام مسیحیان در تمام کشورهای جهان این است که پیغام مسیح را به همه مردم برسانند و آنان را دعوت نمایند که به وی ایمان آورند. مسیحیان همچنین می‌باید محبت مسیح را به همه نژادها و مذاهب، بوسیله شفا بخشیدن مریضان و تعلیم دادن جاهلان و غذا دادن گرسنگان و موعظه نجات به اسیران گناه، نشان دهند. عیسی مسیح زندگی خود را در خدمت مردم صرف کرد و اعضای کلیسای او نیز می‌باید از او سرمشق بگیرند.

همانطوریکه هر گله گوسفند به شبانی نیازمند است، هر گروه ایماندار نیز احتیاج به رهبرانی دارد که تا آنان را تعلیم داده راهنمایی کنند و تشویق و ترغیب نمایند و در وقت ضروری آنان را که منحرف شده‌اند توبیخ و تنبیه کنند. از بدو تأسیس کلیسا، خدا اینگونه رهبران را برای حفاظت فرزندان خود در کلیسا مهیا فرمود. عیسی مسیح دوازده نفر را انتخاب نمود که رسولان او باشند و پیغام او را به مردم جهان برسانند و کلیسای او را بنا نمایند. سپس، بطوریکه در عهد جدید ملاحظه می‌کنیم، خدا عده دیگری را نیز انتخاب نمود که در کلیسا شبان و معلم و مبشر و خادم و رهبر و سرپرست باشند. تمام این خادمین روحانی مسیح در کلیسای امروزه انجام وظیفه می‌نمایند.